

اصول تربیتی عفو و تغافل در سیره و اندیشه تربیتی

امام سجاده علیه السلام

عارف حسین

چکیده

عفو و تغافل یکی از صفات مهم اخلاقی است که به باروری و تقویت عواطف می‌انجامد و نیز تعاملات فردی و جمعی را به جهت مطلوب هدایت می‌کند، از این رو جایگاه بسیار مهمی در آموزه‌های قرآنی و حدیثی دارد. پژوهش حاضر تحت عنوان «اصول عفو و تغافل در سیره تربیتی امام سجاده علیه السلام» در حقیقت بدنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان از سیره تربیتی امام سجاده علیه السلام اصول صفت ارزشمند و کلیدی عفو و تغافل را اتخاذ کرد تا در رفتار خود به نحو احسن عفو و تغافل را اجرا کرد؟ در این پژوهش، شش اصل مهم و کلیدی عفو و تغافل از سیره تربیتی امام سجاده علیه السلام از قبیل اصل فضل و رحمت، اصل ایجاد انگیزه، اصل عزت، اصل شرح صدر و ... مورد بررسی قرار گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: اصول، عفو، تغافل، سیره تربیتی، امام سجاده علیه السلام

بیان مسئله

یکی از صفات ارزشمند کلیدی که در زندگی فردی و اجتماعی انسان، نقش مهمی را ایفا می‌کند، عفو و تغافل است. با عفو و تغافل، زندگی انسان صفا و صمیمیت به خود می‌گیرد.

عفو و تغافل از مکارم و محاسن اخلاق و آداب معاشرت است. زیرا در زندگی اجتماعی کمتر کسی دیده می‌شود که حق از او ضایع نشده باشد و دیگران به حریم وی تجاوز نکرده باشند.

ادامه حیات اجتماعی مبتنی بر عفو و تغافل است. زیرا اگر همه‌ی مردم در گرفتن حق خویش سخت‌گیر باشند و از کوچک‌ترین لغزش و خطای دیگران عفو و اغماض نکنند، زندگی بسیار تلخ و غیر قابل تحمل می‌شود و روح صفا و صمیمیت به طور کلی از میان جامعه از بین می‌رود، و همکاری و همیاری میان آنها غیر ممکن می‌شود، و روح انتقام‌جویی و کینه‌توزی بوجود می‌آید.

پس ضرورت بر این امر است که روش تربیتی عفو و تغافل را از سیره امام سجاد علیه السلام به‌ویژه از صحیفه سجادیه استخراج کرد تا با این صفت والایی و ارزشمند در دل‌های مردم نفوذ کرد و از دل‌های آنان کینه‌توزی و انتقام‌جویی را بیرون کرد و جامعه را یک جامعه‌ای با صمیمیت و همیاری تبدیل کرد. اما این روش تربیتی مبتنی بر چند اصولی است که می‌توان از سیره تربیتی امام سجاد علیه السلام اتخاذ کرد.

مقدمه

یکی از صفات ارزشمند و کلیدی که در زندگی فردی و اجتماعی انسان، نقش مهمی را ایفا می‌کند، عفو و تغافل است. با عفو و تغافل، زندگی انسان صفا و صمیمیت به خود می‌گیرد.

عفو و تغافل از مکارم و محاسن اخلاق و آداب معاشرت است. زیرا در زندگی اجتماعی کمتر کسی دیده می‌شود که حق از او ضایع نشده باشد و دیگران به حریم وی تجاوز نکرده باشند.

لذا ادامه حیات اجتماعی مبتنی بر عفو و تغافل است. زیرا اگر همه‌ی مردم در گرفتن حق خویش سخت‌گیر باشند و از کوچک‌ترین لغزش و خطای دیگران عفو و اغماض نکنند، زندگی بسیار تلخ و غیر قابل تحمل می‌شود و روح صفا و صمیمیت به طور کلی از میان جامعه رخت برمی‌بندد، و همکاری و همیاری میان آنها غیر ممکن شده و روح انتقام‌جویی و کینه‌توزی بوجود می‌آید.

پس شناخت اصول تربیتی عفو و تغافل ضرورت فراوانی دارد.

در پژوهش حاضر به اصول تربیتی عفو و تغافل در سیره امام سجاد (علیه السلام) بعنوان امام و پیشوای جامعه می‌پردازیم.

مفهوم شناسی

اصول

«اصل» واژه عربی است و به معنای بیخ، بنیاد، پایه و بُن هر چیزی است. (دهخدا، ج ۲، ص ۲۴۰۵)

در اصطلاح علوم تربیتی، اصول عبارات‌اند از: مجموعه قواعدی که با نظر به قانون‌مندی‌های مربوط به ویژگی‌های عمومی انسان (مبانی تربیت)، اعتبار شده و به عنوان راهنمای عمل، تدابیر تربیتی را هدایت می‌کنند. از این تعریف بر می‌آید که اصول تربیتی، با توجه به مبانی تربیت، استخراج و اعتبار می‌شوند. (خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۵)

عفو

عفو در لغت به معنی گذشت کردن از خطا و ترک کيفر آن می‌باشد و اصل و ریشه آن به معنی محو و نابودی است. (ابن منظور، لسان العرب، ص ۷۲)

اما در اصطلاح: امام صادق (علیه السلام) در تعریف عفو می‌فرمایند: «عفو کردن و از تقصیر گذشتن با وجود قدرت و انتقام، طریقه پیامبران و متقیان است و معنی عفو آن است که هر گاه از کسی جرمی و تقصیری نسبت به تو واقع شود، پی او نروی و به او اظهار نکنی و از ظاهر و باطن فراموش کنی و احسان را به او زیاده تر از پیش کنی» (عبدالرزاق گیلانی، مصباح الشریعه، ص ۱۵۸)

تغافل

تغافل در لغت یعنی خود را به غفلت زدن و در اصطلاح یعنی انسان چیزهایی را بداند که پنهان کردن یا پنهان ماندن آن لازم یا پسندیده است و اظهار آن عواقب نامطلوب دارد؛ لذا فرد خود را به ناآگاهی و بی‌اطلاعی بزند و یا با بزرگواری از کنار آن بگذرد تا باعث حفظ آبروی دیگران شود. (ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۳)

سیره

سیره در لغت بر وزن «فَعَلَهُ» از کلمه «سیر» گرفته شده است. سیر به معنای حرکت و راه رفتن است و سیره به معنای رفتار. چون وزن فَعَلَهُ در زبان عربی بر نوع، کیفیت و

هیئت عمل دلالت دارد، سیره به معنای حالت و چگونگی حرکت است؛ مانند: «جلسه جلوسه العبد؛ بنده وار نشستم» که چگونگی نشستن را بیان می‌کند. سیره در اصطلاح، به معنای چگونگی و نوع عمل است. این چگونگی همان هیئت و حالت فعالیت آدمی است و از آنجا که هیچ فعالیت بدون حالتی خاص تحقق نمی‌یابد و حالت رفتار، جدا از رفتار نیست؛ سیره در این مفهوم، همه رفتارها و فعالیت‌های آدمی را شامل می‌شود.

نکته شایان توجه اینکه گفتار هم، چون به یک معنا جزء رفتار آدمی است، از لحاظ چگونگی صدور از گوینده می‌تواند سیره محسوب شود؛ از این روی سیره، به دو گونه «قولی» و «فعلی» تقسیم می‌شود. بنابراین در این مباحث، «سیره» علاوه بر رفتار تربیتی امام سجاد (علیه السلام)، چگونگی گفتارهای تربیتی - و نه محتوای گفتار - آنان را نیز شامل می‌شود.

تربیت

در زبان فارسی، واژه تربیت به معانی (پروردن و پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن) به کار رفته است. (علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۱۴، ص ۵۵۰)

تربیت در اصطلاح

استاد شهید مطهری می‌فرماید:

تربیت عبارت است از پرورش دادن استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن لذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان صادق است و اگر این کلمه را در غیر جاندار به کار ببریم مجازا به کار برده ایم... از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد. (مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۳)

اصول تربیتی عفو و تغافل در سیره تربیتی و اندیشه امام سجاد (علیه السلام)

۱. اصل رحمت و فضل

اولین اصل تربیتی عفو و تغافل در سیره و اندیشه امام سجاد (علیه السلام) «اصل رحمت و فضل» است.

خداوند متعال رحمت و فضل را نسبت به بندگان بر خود واجب کرده است.

خداوند، خود در مقام تربیت انسان، مکرر این اصل را به کار می‌برد و اساساً فضل و رحمت را بر خود واجب گردانیده است؛ چنان که در قرآن می‌فرماید: **كَتَبَ عَلَي نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ (انعام، ۱۲)**

از این آیه می‌توان نتیجه گرفت که رحمت و فضل یک اصل اساسی در مسیر تربیت انسان‌ها است.

از این‌رو، یکی از اصولی که پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار به ویژه امام سجاد (علیه السلام) در تربیت انسان‌ها از آن استفاده می‌کردند، اصل رحمت و فضل بود.

این اصل مانع از آن است که فرد به محض ارتکاب اولین خطا، مؤاخذه و مجازات شود، بلکه به موجب آن، لازم است مربی ابتدا عفو کند و حتی در این عفو مبالغه ورزد. ابتدا به عفو بدین معناست که مربی خود اقدام به عفو کند، نه اینکه عفو او در برابر اعتذار متربی باشد. طبق این روش، مربی مکرر خطاها و لغزش‌های متربی را نادیده می‌گیرد چنان که خداوند می‌فرماید: **«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ؛ آنچه از رنج و مصایب به شما می‌رسد، از دستاوردهای خودتان است، در صورتی که خدا بسیاری از اعمال شما را عفو می‌کند» (شوری، ۳۰)**

امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید:

«و در برابر گذشت من از آنان عفو و در مقابل دعا بیا برای آنان رحمت را عوض قرار ده؛ تا هر یک از ما به سبب فزون بخشی‌ات سعادت‌مند شویم؛ و هر کدام‌مان به خاطر احسانت رستگار گردیم» (الصحيحه السجادية، ص ۶۸)

پس انسان از طریق عفو و گذشت به کمالات حقیقی راه یافته و وجودش را وسیع می‌سازد تا بتواند بر همگان عطوفت ورزد و از گناهان، لغزش‌ها و خطاهای دیگران بگذرد و خواهان نجات و رستگاری آنان باشد و اینگونه است که دریچه‌های رحمت و بزرگواری الهی بر انسان‌ها گشوده می‌شود و وجودشان را به رحمت الهی و حق ملبس ساخته، به صفات الهی متصف می‌نماید. پس راه کسب رحمت حق، رحم بر دیگران و گذشت از خطاهای آنان است. (دلشاد تهرانی، مصطفی. تربیت در نهج البلاغه، ص ۱۰۶)

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: **«بِالْعَفْوِ تُسْتَنْزَلُ الرَّحْمَةُ؛ عفو کردن سبب نزول رحمت رحم الهی می‌شود» (عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۰۳)**

اینکه عفو کردن از خطاها و گناهان سبب نزول رحمت حق تعالی می‌شود؛ به این دلیل است که هرگاه بنده با کمال نقص، حاجت و غلبه قوای شهویه و غضبیه عفو کند و انتقام نکشد حق تعالی که (اکرم الأکرمین) است آن را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد. همچنین عفو و بخشش نسبت به خطاها و گناهان دیگران باعث قرب به خدا و نزدیکی به او می‌شود؛ بنابراین باید در زندگی عفو و گذشت را پیشه کرد تا انشاءالله مورد رحمت و مغفرت خدای متعال قرار گرفت.

امام زین العابدین (علیه السلام) به خاطر خُلق عظیمی که داشتند و دستوری که از جانب خداوند متعال نسبت به صبر بر مشکلات و گذشت از خطای مردم دریافت نموده بودند، هر جا حقی از ایشان ضایع می‌شد یا کسی به حریم خصوصی ایشان تجاوزی روا می‌داشت، در صورت امکان، از حق خویش، طبق ضوابطی گذشت می‌نمودند و بر اساس اصل فضل و رحمت، رفتار می‌نمودند. از جمله ضوابط برای اجرای روش گذشت از سوی امام (علیه السلام)، زمینه هدایت یافتگی و تمایل پیدا کردن به دین مبین اسلام است. یا اگر فرد یا افرادی شخصاً از امام (علیه السلام) طلب آموزش و بخشش می‌کرد، آنها را حلال می‌کردند، حتی اگر شرمساری را در چهره خطاکار می‌دیدند و متوجه می‌شدند که از عمل خویش پشیمان است، از ظلم او صرف نظر می‌کردند، هر جا حق خودشان مطرح بود، همه را عفو می‌کردند؛ عفوی که خطاکار را بر ظلم و تجاوز خود، گستاخ نسازد، بلکه برای او و دیگران سازنده باشد و موجبات هدایت او را فراهم نماید.

این خلق عظیم امام (علیه السلام) باید برای مسلمان‌ها الگو قرار بگیرد و بدانند امام (علیه السلام) آنها هیچ‌گاه از کسی کینه به دل نمی‌گرفتند و انتقام جو نبودند و تا آنجا که امکان داشت، از حق خویش می‌گذشتند و قلب‌ها را به سمت دین خدا جلب می‌نمودند.

۲. اصل ایجاد انگیزه

یکی دیگر اصول تربیتی عفو و تغافل در سیره و اندیشه امام سجاد (علیه السلام) «ایجاد انگیزه» است. این اصل یکی از اصول مبتنی بر ویژگی «اختیار» است. انگیزه، فرآیندی است که در برانگیختن، جهت دادن و پایایی رفتار، نقش آفرین است. (محمد پارسا، انگیزش و هیجان، ص ۲)

گرچه انسان، مختار است. اما گرایش‌ها و خواست‌های متضادی دارد که باید مطلوب خود را از میان آنها برگزیند و این منشأ ارزش کارهای انسان است. در این میان، باید دید او چگونه به یکی از گرایش‌ها میل پیدا می‌کند؟ با ایجاد انگیزه و برانگیختگی در انسان، باید کاری کرد که پیش از آنکه انسان به تردید و انحراف افتد، مسیر سعادت و بندگی را برگزیند. آنچه کنش ما را شکل می‌بخشد و به کارهای ما جهت می‌دهد، ارزش‌هایی است که آنها را پذیرفته‌ایم. خاستگاه این ارزش‌ها نیز بینش‌ها و گرایش‌هایی است که زیر بنای آنهاست.

خداوند متعال در قرآن کریم برای ایجاد این اصل تربیتی می‌فرماید:

«آنها باید عفو کنند و چشم‌پوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟ و

خداوند آمرزنده و مهربان است!» (نور، ۲۲)

خداوند متعال در این آیه نخست امر به عفو و گذشت می‌کند. سپس می‌گوید آیا دوست ندارید خدا شما را ببخشد؟ پس شما هم ببخشید و سر انجام دو صفت از صفات خدا که "غفور" و "رحیم" است، می‌آورد.

آیت فوق درس بسیار بزرگی است برای امروز و فردای مسلمانان و همه آیندگان که به هنگام آلودگی بعضی از افراد به گناه و لغزشی، نباید در کیفر از حد اعتدال تجاوز کرد، نباید آنها را از جامعه اسلامی طرد نمود، و نباید درهای عفو و تغافل را به روی آنها بست تا یکبارها در دامن خطاکاران عادی سقوط کنند و در صف آنها قرار گیرند.

پس این آیت دربردارنده ایجاد انگیزه عفو و تغافل است، یعنی هر کس می‌خواهد خداوند او را ببخشد، باید او هم دیگران را عفو و گذشت نماید. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «از کسی که به تو ستم کرده است گذشت کن همچنان که دوست داری از تو گذشت شود. از بخشایش خدا نسبت به خودت پند گیر» (محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه با ترجمه فارسی، جلد ۷، صفحه ۴۷۳)

برای ایجاد انگیزه عفو و تغافل امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید:

«و در عوض عفو و بخششی که من از مردم نمودم عفو و گذشت خودت را شامل حالم فرما و از دعایی که برای ایشان کردم رحمت را به من پاداش ده تا اینکه هر کدام از ما به فضل و کرمات سعادتمند شده و به نعمت‌های رستگار گردیم» (الصحیفه السجادیه، ۱۶۸)

بنابراین، با توجه به ویژگی اختیار در انسان، باید برای جلب انسان به عفو و تغافل که به آن گرایش ندارد، ولی در سعادتش مؤثر است، انگیزه ایجاد کرد. البته ایجاد انگیزه در جایی است که عمل، به خودی خود، مطلوبیتی برای فرد نداشته باشد.

برای مثال، جنگ به خودی خود برای مردم ناخوشایند است. از این رو، امام در دعای بیست و هفتم (دعا برای مرزداران) برای آنکه مرزداران را تشویق کند تا از دشمن نترسند، می‌فرماید:

«و هنگام رو برو شدن‌شان با دشمن یاد دنیای فریب دهنده گول زنده را فراموش‌شان گردان و اندیشه‌های مال و دارائی گمراه کننده را از دل‌هایشان بزدا، و بهشت را برابر چشمشان قرار ده، و از آن بهشت آنچه آماده ساخته‌ای از جاهای همیشگی و سراهای ارجمند و زن‌های زیبا و جوهایی که به آشامیدنی‌های گوناگون روان شده و درخت‌هایی که با انواع میوه‌ها خم گشته جلو چشم‌شان نمایان کن تا کسی از ایشان آهنگ روی برگرداندن (از دشمن) نکند و گریختن از (برابر) مانند خود را با خویش گفتگو ننماید» (الصحیفه السجادیه ص ۲۱۰)

امام سجاده علیه السلام در دعاهای دیگر با استفاده از این اصل تربیتی و با انگیزه‌هایی مانند برشماری ثواب و عقاب یا لقا و رضای خدا، ما را در مسیر هدایت به انتخاب راه صحیح ارشاد کرده است. امام در پیشگاه خدا می‌فرماید:

«و ترس اندوه کيفر و ميل پاداش (در روز قیامت) را که وعده داده‌ای روزیم گردان تا (در این دنیا هم) خوشی چیزی (بهشت) را که تو را برای آن می‌خوانم و اندوه چیزی (دوزخ) را که از آن به تو پناه می‌برم دریابم» (الصحیفه السجادیه، ص ۱۰۸)

«و برای آخرتم رغبت و مواظبت در عمل (بندگی) برای تو را روزیم فرما تا از روی دل راستی و درستی بندگی را بشناسم، و تا اینکه بی‌رغبتی در دنیا بر من دست یابد و تا اینکه نیکی‌ها را با شوق و میل بجا آورم» (الصحیفه السجادیه، ص ۱۱۰)

«تو ما را آفریدی و (به نیکی‌ها) امر کردی و (از زشتی‌ها) نهی فرمودی و در پاداش آنچه ما را امر نمودی خواهان (تشویق فرمودی)» (الصحیفه السجادیه، ص ۱۲۲)

۳. اصل عزت

سومین اصول تربیتی عفو و تغافل در سیره و اندیشه امام سجاده علیه السلام «اصل عزت» است. طبق این اصل مربی باید عزت نفس مرتبی را فراهم آورد. اگر مرتبی با توجه به غریزه‌ی خود دوستی، در خود عزتی قرین به عزت نفس واقعی بیابد؛ خود شیفتگی، خود محوری، خودخواهی، خودپسندی و آزمندی مذموم را در او پدید نخواهد آمد. برعکس به توانایی‌های خود آگاه شده، راه کمال و نیک بختی را پیش خواهد گرفت. مرتبی چون ذاتا شیفته‌ی خویش است، «اصل عزت» می‌تواند او را هدایت بخشد و به سعادت رهنمون سازد. عزت بخشی به مرتبی، با به‌وجود آوردن احساس عزت در او متفاوت است. احساس عزت می‌تواند وهمی و پنداری باشد و با ذلت قابل جمع است؛ اما عزت واقعی درونی با ذلت ناهماهنگ است. هرگاه کسی بتواند بر اساس غریزه‌ی خود دوستی، با عفو و تغافل، قدرت، علم، جمال، و... دیگران را به اعجاب درآورد، احساس عزت در او پدیدار می‌شود؛ این چنین فردی ممکن است فریفته‌ی ویژگی‌های خویش گردد که در این صورت فاقد عزت واقعی است. این جاست که مربی باید احساس عزت واقعی را در مرتبی ایجاد کند.

در سیره امام سجاده علیه السلام دیده می‌شود که با روش عفو و تغافل می‌توان رفتار ناشایست مرتبی را نادیده گرفت تا از این طریق، عزت او حفظ شده و از ادامه رفتار نادرست او جلوگیری شود؛ زیرا اگر احساس عزت مرتبی زایل شود، او با بی‌باکی تمام خطاهای بیشتری را مرتکب خواهد شد.

صاحب (کشف الغمه) نقل کرده که روزی آن حضرت از مسجد بیرون آمده بود مردی ملاقات کرد او را و دشنام و ناسزا گفت به آن جناب، غلامان آن حضرت

خواستند به او صدمتی برسانند، فرمود: او را به حال خود گذارید! پس رو کرد به آن مرد و فرمود: (ما ستر عنک من امرنا اکثر)؛ آنچه از کارهای ما از تو پوشیده است بیشتر است از آنکه تو بدانی و بگویی. پس از آن فرمود: آیا تو را حاجتی می‌باشد که در انجام آن تو را اعانت کنیم؟ آن مرد شرمسار شد، پس آن حضرت کسائی سیاه مربع بر دوش داشتند نزد او افکندند و امر فرمودند که هزار درهم به او بدهند، پس بعد از آن هر وقت آن مرد آن حضرت را می‌دید و می‌گفت: گواهی می‌دهم که تو از اولاد رسول خدایی صلی الله علیه و آله (علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۸۱)

همچنین در سیره امام حسن مجتبی علیه السلام یافت می‌شود که:

مردی از اهل شام که تحت تأثیر تبلیغات زهرآگین معاویه نسبت به اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته بود، وقتی امام حسن علیه السلام را دید، شروع به فحش و ناسزا گفتن به امام کرد، امام حسن علیه السلام همچنان ساکت بود تا اینکه فحاشی مرد شامی به پایان رسید؛ امام رو به وی کرده فرمود: ای پیرمرد! گمان می‌کنم که غریب هستی اگر چیزی بخواهی به تو می‌دهیم، اگر راه گم کرده‌ای نشانت می‌دهیم، اگر گرسنه‌ای، سیرت می‌کنیم، اگر نیازمندی، تو را بی‌نیاز می‌کنیم. مرد شامی، ساکت و مبهوت به چهره امام نگاه می‌کرد و متحیر ماند که چه بگوید و چگونه عذرخواهی کند، در پایان با شرمساری گفت: خدا خود می‌داند که رسالت خویش را در کدام خاندان قرار دهد. (کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۶۱)

همچنین امیر المومنین علی علیه السلام پس از پیروزی در جنگ جمل، باقی مانده‌ی سپاه دشمن را مورد عفو و رحمت خویش قرار داد و عایشه را که از سران فتنه و دسیسه بود بخشید و با احترام و عزت به مدینه باز گرداند. (شیخ مفید، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، ص ۲۲۱)

ابن شهر آشوب می‌گوید:

«مردی حضرت را دشنام گفت. امام علیه السلام چشم پوشی (تغافل) نمود. مرد گفت: با تو هستم! امام پاسخ دادند: از [سخن] تو چشم پوشی می‌کنم. (کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۳۱۲)

از سیره امام سجاد علیه السلام و بقیه ائمه معصومین علیهم السلام در می‌آید که آنان به علاوه اینکه شخص جسارت‌کننده را عفو نمودند، مورد لطف و عزت هم قرار دادند تا از ادامه رفتار نادرست او جلوگیری شود.

به دلیل آنکه امام حجت و الگوی عمل برای ماست، به کارگیری روش عفو و تغافل برای همه مربیان اسوه است تا از این طریق با حفظ احترام متربی، او را به تربیت صحیح سوق دهند. انسان‌ها دوست ندارند دیگران از خطای آنان مطلع شوند. انسان، خواهان کرامت و عزت نفس خویش است، پس نیازمند آن است که جامعه با نگرشی مثبت با او برخورد کند. آگاهی دیگران از خطای او نگرش او را خدشه‌دار می‌کند و اگر گناه او آشکار

شود خطرناک ترین لحظه در زندگی فرد (متربی) است؛ چراکه او دیگر از فرو پوشیدن خطای خویش بی‌می‌نارد و از بر ملا شدن آن ابایی ندارد. (محمد علی حاجی ده آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص ۱۶۳ و ۱۶۴)

در چنین وضعی، مربی تنها با عفو و تغافل می‌تواند از انحراف بیشتر متربی جلوگیری کرده و او را در مسیر تربیت صحیح قرار دهد.

پس معلوم می‌شود که «اصل عزت» یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول روش تربیتی عفو و تغافل است، زیرا اگر خطاکار خویشتن را عزتمند بیابد، هرگز به عصیان و گناه آلوده نمی‌شود و یا حداقل گرایش خود را به پستی‌ها و حقارت‌های نفسانی و اخلاقی بسیار کمتری نشان می‌دهد. روش تربیتی عفو و تغافل باید به گونه‌ای باشد که احساس عزت واقعی نفس را در متربی به بار آورد و او را از غلتیدن به حقارت و ذلت باز دارد، و از آن جا که توانایی‌ها و ضعف‌های متربی هر دو در احساس عزت او دخالت دارند، بر اساس اصل عزت روش «عفو و تغافل» که شخصیت دگرگون شده را بازیافت می‌کند و دریافت عزت درونی می‌باشد. (سید ابراهیم میر شاه جعفری، رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجاده، صص ۹-۱۱)

۴. اصل عدم تجری شخص در صورت عفو و تغافل

یکی دیگر از اصول تربیتی عفو و تغافل در سیره و اندیشه امام سجاد (علیه السلام) «اصل عدم تجری شخص» است.

حضرت امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «حق اخلاقی آنکس که به تو بد کرده این است که او را عفو نمایی و اگر بدانی عفو تو مضر است و او را به تجری و تجاوز وا می‌دارد، برای کیفر او از قانون و مردم نصرت (کمک) می‌طلبی» (الحديث، جلد ۱، ص ۸۹)

تجری به‌عنوان زیر بنای تمامی رذائل، گناهان و انحرافات اخلاقی از اهمیت ویژه‌ای در میان سایر موضوعات اخلاقی برخوردار است. منظور از جرأت بر گناه بی‌اهمیتی به گناه، ارتکاب بدون دغدغه گناه و سهل‌انگاری در انجام گناه است.

در مکتب نورانی اسلام جهت جلوگیری از نشر و شیوع آثار منفی تجری و جرأت بر گناه، همواره توجه ویژه برای نهی و مذمت از آن شده است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند:

«سوگند به خدا اگر گناه بزرگی را هم مرتکب نشده و عصیان او اندک و کوچک باشد، همین جرأت و گستاخی او بر بازگویی عیب مردم، گناهی بس بزرگتر است» (نهج البلاغه، ص ۱۹۷)

از همین رو تنفر از منکر، احیای نهی از منکر را به عنوان یکی از مؤثرترین راه کارها جهت مقابله و رواج جرأت بر گناه در جامعه معرفی کرده و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با توجه دادن مؤمنین به این مطلب خطاب به آنها فرموده است: « به کوچکی گناه نگاه نکنید بلکه به چیزی [نافرمانی خدا] که بر آن جرأت یافته‌اید بنگرید» (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۵، ص ۳۱۳)

پس معلوم می‌شود که عفو و تغافل اگر شخص گناهکار را بر گناهانش جری کند و جرات بر گناه دهد نباید از خطایش عفو و تغافل نمود بلکه باید سرزنش و مجازات شود.

۵. اصل مراعات جایگاه عفو و تغافل

یکی دیگر از اصول تربیتی عفو و تغافل در در سیره و اندیشه امام سجاد (علیه السلام) « اصل مراعات جایگاه عفو و تغافل» است.

در حدیث معروفی که هم از امام سجاد (علیه السلام) و هم از امام باقر (علیه السلام) و هم از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است، پیرامون «تغافل» چنین می‌فرمایند: «صَلَّاحُ حَالِ التَّعَافُیْ وَ التَّعَافُیْ مِلْءُ مِکْيَالٍ ثَلَاثُهُ فِطْنَةٌ وَ ثَلَاثُهُ تَغَافُلٌ؛ مصلحت همزیستی سالم و معاشرت با مردم در پیمانهای است که دو سوم آن هوشیاری و یک سوم آن تغافل باشد. (حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۵۹)

این روایت، در واقع ضمن تاکید بر عفو و تغافل مثبت، از تغافل منفی بر حذر می‌دارد. ابتدا تاکید به هوشیاری و بیداری و ترک «غفلت» می‌کند و سهم آن را دو سوم می‌دانند و مفهوم آن این است که انسان نباید از مسائل مهم زندگی بی خبر بماند، بلکه باید با کمال دقت، مراقب آنچه که خیر و صلاح او در آن است، باشد. از سوی دیگر نسبت به اموری که لازم است مورد بی‌اعتنایی و بی‌توجهی قرار گیرد، دستور به «عفو و تغافل» می‌دهد، مانند، فکر و دقت در مسایل جزئی زندگی که اهمیت چندانی ندارند، انسان را از تفکر در امور مهم باز می‌دارد و همچنین مخفی کردن عیوب پنهانی دیگران در مواردی که مصلحت ایجاب می‌کند، کار پسندیده‌ای است.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در این رابطه می‌فرمایند: «یکی از با ارزش‌ترین کارهای کریمان، «تغافل» از چیزهایی است که از آن آگاهند» (نهج البلاغه، ص ۵۰۷)

در حدیث دیگری آن امام بزرگوار (علیه السلام) می‌فرمایند: « کسی که «تغافل» و چشم پوشی از بسیاری امور نکند، زندگی برای او ناگوار خواهد شد» (عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۴۵۱)

بدیهی است، زندگی انسان‌ها خالی از اموری که بر خلاف توقع باشد، نیست. اگر انسان جزئیات زندگی دیگران را با کنجکاوی و دقت پیدا کند و آنها را مورد بازخواست قرار دهد، زندگی برایش تلخ و دوستان از اطراف او پراکنده می‌شوند. این بحث را با

حدیثی از همان بزرگوار علیه السلام پایان می‌دهیم: «قدر و منزلت خود را با «تغافل» نسبت به امور پست و کوچک بالا برید... و زیاده از اموری که پوشیده و پنهان است تجسس نکنید که عیب جویان شما زیاد می‌شوند... و با چشم بر هم نهادن از دقت بیش از حد در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید» (حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۲۴)

از این حدیث و بعضی از احادیث دیگر، به خوبی موارد «تغافل» روشن می‌شود و نشان می‌دهد که مربوط به امور مهم و سرنوشت‌ساز زندگی نیست، بلکه مربوط به امور جزئی و کم اهمیت است که در زندگی وجود دارد.

بنابراین «عفو و تغافل» منافاتی با امر به معروف و نهی از منکر و انتقاد سازنده ندارد، زیرا، «امر به معروف و نهی از منکر» مربوط به واجبات و محرمات است که از محدوده «عفو و تغافل» بیرون است و انتقاد سازنده مربوط به اموری است که در سرنوشت فرد و جامعه اثر قابل ملاحظه‌ای دارد، در حالی که «تغافل» مربوط به امور جزئی و کم ارزش و یا عیوبی که مصلحت در آن است که در پرده بماند.

همچنین تغافل در مورد گذشت و نادیده گرفتن امور شخصی و فردی است. یعنی حقوقی که از ما ضایع می‌شود نه حق الله یا حقوق سایر مردم.

سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و همه ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امام سجاد علیه السلام بر این بوده که بنا نداشتند نسبت به حقوقی که از شخص ایشان ضایع می‌شد پافشاری داشته باشند و مطالبه کنند و معمولاً گذشت می‌نمودند، مخصوصاً موقعی که پشیمانی و ندامت را در چهره طرف می‌دیدند و او را شماتت و سرزنش نمی‌کردند به عبارتی تغافل می‌نمودند

دیگر اینکه این عفو و تغافل تا حدی باشد که طرف تجری بر گناه و اشتباه نداشته باشد. اما اگر عفو و تغافل شخص گناهکار را بر گناهانش جری کند و جرات بر گناه دهد نباید از خطایش عفو و تغافل نمود بلکه باید سرزنش و مجازات شود.

۶. اصل شرح صدر

یکی دیگر از اصول تربیتی عفو و تغافل در در سیره و اندیشه امام سجاد علیه السلام «اصل شرح صدر» است.

امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند:

پروردگارا بر محمد و آل محمد درود فرست و پا بر جایم کن تا پاسخ دهم خیانت کسی را که به من خیانت کرده به خیرخواهی و پاداش دهم کسی که ترک مرا کرده به نیکی و عوض دهم کسی که محرومم نموده به بذل و بخشش و مکافات کنم هر که

پیوندش را از من بریده به پیوستگی و مخالفت کنم با هر که پشت سرم بد گوید به اینکه به خوبی یادش کنم و از نیکی و احسان انسان‌ها سپاسگزاری کنم و از بدی دیگران چشم پوشم. (الصحیفه السجادیه، ص ۹۴)

امام (علیه السلام) دقیقاً چیزی را که در مجموع مطالباتش از پروردگار می‌خواهد همان شرح صدر و سینه فراخی است که قادر باشد تمام ناملایماتی که از ناحیه دیگران به ما می‌رسد عکس‌العمل ضدش را انجام دهد و در نهایت بردباری و متانت برخورد متقابل داشته باشد.

امام (علیه السلام) در عمل شرح صدر خود را به یاران نشان می‌داد تا بدی را چگونه پاسخ دهند.

«یکی از بستگان حضرت خدمت آن بزرگوار آمد و بی‌مقدمه شروع به ناسزا گفتن کرد امام (علیه السلام) در جواب او چیزی نفرمود بعد از رفتنش به اصحاب روی نموده فرمود، شنیدید چه گفت، اینک مایلم با من بیایید تا پیش او برویم جواب مرا نیز بشنوید، یاران عرض کردند حاضریم ما میل داشتیم همان جا جوابش را بدهی امام زین‌العابدین (علیه السلام) نعلین خود را برداشت و حرکت کرد و در بین راه این آیه را خواند «وَالْكَاطِمِينَ أَلْمِيزًا وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» و فرو بندگان خشم و در گذرندگان از مردم خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» (آل عمران، ۱۳۴)

همراهان که نخست گمان دیگری داشتند دریافتند امام برای تلافی نمی‌رود به خانه آن مرد رسیدند و امام او را صدا زد و فرمود به او بگویند علی بن‌الحسین (علیه السلام) آمده است او به گمان آنکه امام (علیه السلام) برای تلافی آمده خود را آماده ستیز ساخت و بیرون آمد امام (علیه السلام) فرمود برادرم تو چند لحظه پیش نزد من آمدی و حرف‌هایی زدی اگر آنچه گفتم در من هست از خدا می‌خواهم مرا بیامزد... و اگر آنها در من نیست از خدا می‌خواهم تو را بیامزد.

شرح صدر امام (علیه السلام) مرد را شرم‌ناز ساخت پیش آمد و پیشانی امام را بوسید و گفت آنچه گفتم در شما نبود و اعتراف می‌کنم که خود آنچه گفتم سزاوارترم» (الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۴۵)

شرح صدر برای همه مفید است و برای کسانی که بر مسند ریاست و مدیریت و تربیت جامعه هستند ابزار کار است یعنی بدون آن نمی‌توانند ادامه راه دهند. چون با سلیقه‌های متفاوت و توقعات عجیب مردم روبرو هستند پس باید همه را تحمل کنند و با شرح صدر با مشکلات دست و پنجه نرم کنند.

مولایمان علی (علیه السلام) می‌فرمود: «أَلْهَ الرِّيَاسَةَ سَعَهُ الصَّدْرُ؛ سَعَهُ صَدْرٌ وَ تَحْمَلُ سَخْتِيهَا ابْزَارُ رِيَاسَتِ اسْت» (تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۷)

از صاحبان پست و مقام چه در ابعاد مادی یا معنوی که بگذریم به طور کلی شرح صدر از ویژگی‌های مومن است.

مردی به نام بیهقی درباره امام زین العابدین (علیه السلام) می‌گوید، کنیز حضرت آب روی دست او می‌ریخت تا آماده نماز گردد ناگهان ظرف آب از دست کنیز افتاد و بر صورت امام سجاد (علیه السلام) اصابت نمود و صورت را مجروح کرد و حضرت سر را بلند کرد. فَقَالَتْ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ، کنیز گفت: خداوند می‌فرماید و کسانی که غیظ خود را فرو می‌برند، حضرت فرمود: غیظ خود را فرو بردم. کنیز گفت: وَالْعَاقِبِينَ عَنِ النَّاسِ أَنْگَاهَ که از خطای مردم گذشت می‌کنند امام فرمود: خدا از تو بگذرد. گفت وَاللَّهِ يَجِبُ الْمُحْسِنِينَ خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد امام فرمود: برو که تو را آزادت نمودم. (سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۲)

نتیجه

عفو و تغافل بعنوان شیوه تربیتی مورد تاکید نصوص دینی شناخته می‌شود. با بررسی سیره تربیتی امام سجاد (علیه السلام) و صحیفه سجادیه به ریشه‌های عفو و تغافل دست می‌یابیم که توجه داشتن به این اصول می‌تواند بستر ایجاد روحیه عفو و تغافل را در انسان فراهم نماید. این اصول عبارتند از:

۱. اصل رحمت و فضل
۲. اصل ایجاد انگیزه
۳. اصل عزت
۴. اصل عدم تجری شخص در صورت عفو و تغافل
۵. اصل مراعات جایگاه عفو و تغافل
۶. اصل شرح صدر

منابع

- قرآن کریم
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۷ و ۱۵، چاپ سوم، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه (ط - القدیمه)، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق

- اصفهانی، فیض الاسلام، علی نقی، الصحیفه السجادیه، ترجمه و شرح فیض الإسلام، محقق / مصحح: افشاری زنجانی، عبد الرحیم، فقیه، تهران
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران انتشارات مدرسه، چاپ چهارم، ۱۳۷۶
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، دار الکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق
- تهرانی، دلشاد، مصطفی، ماه پرور: تربیت در نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران: خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۸
- جعفری، میر شاه، ابراهیم، رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه
- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، محقق / مصحح: صالح، صبحی، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق
- شیرازی، مکارم، ناصر، اخلاق در قرآن، چاپ اول، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم، ۱۳۷۷ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت_لبنان، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ه. ق
- فرید، مرتضی، الحدیث، ج ۱، چاپ ۱۶، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶
- گیلانی، عبدالرزاق؛ ترجمه مصباح الشریعه، چاپ اول، انتشارات پیام حق، تهران، ۱۳۷۷
- محمد پارسا، انگیزش و هیجان، دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۷۵، ص ۲
- محمد علی حاجی ده آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص ۱۶۳ و ۱۶۴
- محمدی، ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ چهلم، انتشارات صدا، ۱۳۸۲ ش
- مفید، شیخ، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تمحقق / مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق
- مفید، شیخ، محمد بن محمد بن نعمان، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق

